

## واکاوی نوع صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی

محمدجواد فتحی • دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.  
mjfathi@ut.ac.ir

مهرداد موحدی • دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.  
mehrdad.movahedi@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

وحید دادگستر • دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.  
vahiddadgostar1367@gmail.com

### چکیده

پس از لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مواد قانونی متکثر و آشفته راجع به صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان، موجب بروز تردیدهایی در خصوص نوع صلاحیت ذاتی این دادگاه گردید. از یک سو، برخی مواد قانونی بر «اختصاصی» بودن دادگاه اطفال و نوجوانان تصریح داشته و منطبق بر استانداردها و اصول دادرسی عادلانه وضع گردیده‌اند و از سوی دیگر، موادی از قانون موصوف دلالت بر «تخصصی» بودن این محاکم دارند و آن را شعبه‌ای از دادگاه‌های کیفری دو محسوب نموده‌اند. اختلاف نظر میان حقوقدانان و تهافت آراء در رویه قضایی پیرامون این موضوع نیز مشهود است و همین امر موجب سردرگمی در شناسایی مرجع حل اختلاف در صلاحیت گردیده و ارائه راه حل در این موضوع مهم که از جمله قواعد آمره است را به سلیقه قضات واگذار نموده است. در این مقاله، با بررسی حدود پنجاه فقره پرونده از محاکم استان اصفهان، و آراء صادره از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، کیفری دو، تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، در صدد دریافت رویه قضایی بوده‌ایم تا دریابیم که آیا دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی اختصاصی و دارای صلاحیت ذاتی متفاوت و مستقل از دادگاه‌های کیفری دو می‌باشد یا شعبه‌ای از محاکم کیفری دو به‌شمار می‌رود که به جرایم اطفال و نوجوانان به‌صورت تخصصی رسیدگی می‌نماید؟ شایان ذکر است، نحوه حل اختلاف در صلاحیت رسیدگی به این پرونده‌ها در رویه قضایی نیز دور از نظر نگارندگان نبوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دادگاه اطفال و نوجوانان در برابر دادگاه‌های انقلاب، نظامی، کیفری یک، کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و کیفری دو، یک مرجع «اختصاصی» محسوب می‌شود و هرگونه حل اختلاف در صلاحیت میان دادگاه اطفال و نوجوانان با مراجع پیش گفته، منحصرأ با «دیوان عالی کشور» است.

واژگان کلیدی: دادگاه اطفال و نوجوانان، صلاحیت ذاتی، صلاحیت نسبی، اختلاف در صلاحیت، دیوان عالی کشور.



آینده هر کشور، در گرو رشد و بالندگی کودکان و نوجوانان آن است. سرمایه های بالقوه ای که در گذر زمان بالفعل شده و زمینه سعادت یا شقاوت جامعه را فراهم می آورند. شکل گیری رفتارهای انسانی این قشر، ارتباط مستقیم با جریان اجتماعی شدن آنها دارد. براساس یافته های جامعه شناسان، شخصیت آدمی، نتیجه رفتارهای سازشی یا ناسازگاری با مقتضیات پیچیده و ارزش های بنیادین جامعه است که از طریق گروه های مختلف اجتماعی نظیر خانواده، مدرسه، هم سالان و ... ارایه می گردد. با این حال، این واقعیت غیرقابل انکار است که افراد جامعه در شرایط برابر و مشابه زندگی نمی کنند. به بیان دیگر، انسان ها در یک جهان زنده اند اما در یک جهان، زندگی نمی کنند.

چنانچه مسیر دستیابی به ارزش های اجتماعی با محدودیت یا ممنوعیت روبرو شود، با اندک لغزش و فقدان خود کنترلی، بروز رفتارهای ضداجتماعی و انحراف دور از انتظار نخواهد بود. کژخویی های رفتاری، نیازهای سرکوب شده، نابرابری های انسانی، فاصله طبقاتی، محیط زندگی پرتنش از جمله عواملی است که باعث می گردد تا تمایل به ارتکاب جرم در نهال اطفال و نوجوانان ریشه کند. نظام عدالت کیفری در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار، واکنش های متنوع و مختلفی دارد. در کنار پاسخ های پیشگیرانه، اجتماعی و اصلاحی - تربیتی باید به پاسخ های تنبیهی (کیفری) نیز توجه ویژه ای داشت. واکنش کیفری به بزهکاری اطفال و نوجوانان، از طرفی

به جهت انتظام بخشی به امور جامعه در برخورد با پدیده مجرمانه و تکریم قانون و از طرف دیگر حراست و حفاظت آنها از بحران های نشأت گرفته از بزهکاری، اقتضای استقرار تشکیلات و دادرسی ویژه برای جرایم اطفال و نوجوانان دارد.

چگونگی واکنش به بزهکاری اطفال و نوجوانان در فرایند کیفری، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. باید توجه داشت که نحوه واکنش به این دسته می تواند در سوگیری نظام رفتاری آنان در آینده نقش آفرین باشد (نیازپور، ۱۴۰۱، صص ۲۰-۲۱). اختصاص مقررات ویژه در خصوص نحوه رسیدگی به جرم و واکنش در برابر آن، شکل گیری الگوی دادرسی کیفری افتراقی را سبب شده است. افتراقی سازی در حوزه اطفال، شامل مباحث ماهوی (اقداماتی که در مورد بزهکاری این دسته در نظر گرفته می شود، مانند ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و در بعد شکلی، یعنی نحوه تعقیب و محاکمه، خواهد بود (طهماسبی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۸). به نوعی افتراقی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان جنبه سریع و انعطاف پذیر دارد، بدین صورت که دادرسی بیش از آن که به دنبال مجازات کردن باشد، محور کار خود را بر اصلاح و بازپروری اطفال و نوجوانان قرار می دهد (مهر، ۱۳۹۰، صص ۱۳-۱۴). افتراقی سازی دادرسی در حوزه اطفال و نوجوانان بایستی از بدو تشکیل پرونده قضایی مدنظر قرار گیرد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی<sup>۱</sup> این امر مدنظر قرار گرفته است؛ مثلاً در تبصره ۲ ماده ۲۸۵<sup>۲</sup>

---

۱. در این پژوهش منظور از قانون، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی است و گاهی به صورت ق.آ.د.ک نگارش می شود.

۲. تبصره مذکور مقرر می دارد: «در جرایم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری

ضابطان را از انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص طفل و نوجوان ممنوع کرده است. همچنین در حال حاضر لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ به مجلس ارسال شده است، نمونه دیگری از گرایش به سوی افتراقی سازی مقررات دادرسی برای این دسته از افراد است.

قانونگذار در ق.آ.د.ک در مواد متعددی مقرراتی در خصوص رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان وضع نموده است؛ ماده ۲۹۴ ابتدا انواع دادگاه‌های کیفری را برشمرده است و ظاهر ماده دلالت بر این دارد که در مقام بیان انواع دادگاه‌های کیفری با صلاحیت‌های ذاتی متفاوت است<sup>۱</sup> و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز یکی از این مراجع دارای صلاحیت ذاتی است؛ اما با ملاحظه مواد دیگر می‌توان بر این عقیده بود که این دادگاه، یک دادگاه اختصاصی محسوب نمی‌شود. در این پژوهش ضمن بیان نظرات قائلین به اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان، به موادی از قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ اشاره خواهد شد که دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد. موضوع از این جهت حائز اهمیت است که در صورتی که قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی در رسیدگی به پرونده‌ها رعایت نگردد، موجب نقض رای در دیوان عالی کشور

---

وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضاء وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.»

۱. ماده ۲۹۴: «دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.» البته ایرادی که ممکن است بر این ماده وارد باشد این است که دادگاه‌های ویژه روحانیت را ذکر نکرده است.

و دادگاه تجدیدنظر استان است<sup>۱</sup> و دیگر اقدامات انجام شده در پرونده نیز ممکن است از سوی مرجع صالح واجد اعتبار تلقی نگردد و موجبات اطاله دادرسی را فراهم آورد.

در این پژوهش ابتدا به بررسی دلایل اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سیمای قانون پرداخته می‌شود و سپس با بررسی آرای مختلف پرونده‌های قضایی، این موضوع در رویه قضایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### ۱. اختصاصی یا تخصصی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سیمای قانون

مقنن ایرانی، برای نخستین بار در قالب قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار مصوب ۱۳۳۸، اقدام به تأسیس دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان نمود. در این قانون، تشکیل دادگاه اطفال در مرکز هر شهرستان و در کنار آن، ایجاد قانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده بود. با این حال، این قانون مترقی از زمانه خویش بسیار جلوتر بود و امکان اجرای قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، عملاً پس از گذشت یک دهه در تهران شروع و سپس در کلان‌شهرها اجرایی شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در چرخه سیستم عدالت کیفری ایران در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸، نسخ ضمنی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان کلید خورد تا اینکه رأی وحدت رویه شماره

---

۱. نگاه کنید به مواد ۴۵۰ و ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۲ ادامه حیات این دادگاه را متوقف ساخت. با صدور این رأی وحدت رویه، رسیدگی به جرایم مرتکبین پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی (برای دختران، نه سال تمام قمری و برای پسران، پانزده سال تمام قمری) حسب اتهام انتسابی به دادگاه‌های کیفری یک و دو محول شد. انحلال دادگاه اطفال و نوجوانان، از سویی، به لحاظ عدم پاسخگویی به اقتضائات روز جامعه و فرهنگ ایرانی در برخورد با بزهکاران کمتر از ۱۸ سال و برخورد قهرآمیز با آنان - همچون بزرگسالان - فاقد توجیه منطقی بود و از سوی دیگر، فشارهای بین‌المللی بر ایران بابت نقض حقوق کودکان با وصف الحاق ایران به پیمان نامه حقوق

---

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۲۲/۲/۱۳۶۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که ناظر بر صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و دو در مورد جرایم اطفال و نوجوانان است ابراز داشته است: «نظر به این که به موجب ماده ۱۹۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱، دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری یک و دو تقسیم شده‌اند و طبق ماده ۱۹۳ قانون مزبور رسیدگی به جرایم اشخاص به ترتیب مقرر در قانون یاد شده و در صلاحیت دادگاه‌های مذکور است و مستفاد از مواد ۱۹۸ و ۲۱۷ قانون مزبور ملاک صلاحیت هر یک از دادگاه‌های مرقوم کیفر قانونی پیش‌بینی شده برای جرم ارتكابی قطع نظر از خصوصیت و وضعیت متهمین می‌باشد و ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب مهرماه ۱۳۶۱، مبنی بر مبری بودن اطفال از مسئولیت کیفری در صورت ارتكاب جرم به معنای صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری دو در رسیدگی به کلیه اتهامات انتسابی به اشخاصی که طفل معرفی می‌شوند نیست، فلذا در مواردی که جرایم ارتكابی اطفال (کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) از جمله جرایم موضوع ماده ۱۹۸ قانون اصلاحی موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک آن باشد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، در غیر این صورت دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه یازدهم دیوان عالی کشور که متضمن همین معنی است مطابق موازین تشخیص می‌گردد. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

کودک در سال ۱۳۷۲، مقنن را مجبور کرد تا در فصل پنجم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، به دادرسی افتراقی ناظر بر بزهکاری اطفال و نوجوانان بپردازد.

در ارتباط با وضعیت دادگاه صالح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان سه مقرر، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، قابل توجه بود. برابرماده ۲۱۹ قانون یادشده، در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شد. مطابق تبصره ماده ۲۲۰ این قانون، به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شد. براساس ماده ۲۳۱ قانون اخیر الذکر، اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نبود.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، در خلال مواد ۲۱۹ الی ۲۳۱، با بکارگیری واژه "اختصاص" باعث ظهور و بروز اختلاف نظر و آرا در میان دکترین حقوقی و مراجع قضایی شد. ماهیت اختلافی پیرامون اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان کماکان باقی است<sup>۱</sup> و مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در حوزه دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، نتوانسته است دادرسی افتراقی مدنظر را لحاظ نماید. اینک روایت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در مباحث آتی با ارائه نظرات و دلایل هریک از دیدگاه‌های اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان مورد تحلیل واقع می‌شود.

---

۱. در رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، از دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان "دادگاه خاص" یاد شده است.

## ۱-۱. دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع اختصاصی

صلاحیت به معنای شایستگی، الزام و تکلیف قانونی یک مرجع قضایی در رسیدگی به دعوی است. قواعد حاکم بر صلاحیت مراجع قضایی کیفری، آمره و مرتبط با نظم عمومی است. مرجع کیفری موظف است بدوا صلاحیت یا عدم صلاحیت خویش را نسبت به پرونده ارجاعی مطمح نظر قرار دهد. در مراجع کیفری، مهم‌ترین قسم صلاحیت ناظر بر صلاحیت ذاتی است.

اصولاً صلاحیت ذاتی در تعیین مراجع صالح در رسیدگی‌های حقوقی نیز مورد نظر است و سه عنصر صنف، نوع و درجه، صلاحیت ذاتی مراجع قضایی و غیرقضایی یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تفکیک می‌نماید. منظور از نوع یک دادگاه، تعیین این نکته است که آیا مرجع مزبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاصی. مراجع عمومی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند مگر اموری که صراحتاً رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. برعکس مراجع اختصاصی مراجعی هستند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند، مگر رسیدگی به امور معینی صراحتاً در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته باشد (خالقی، ۱۳۹۹، ص ۲۹). در قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، انقلاب و ویژه روحانیت از نظر صلاحیت ذاتی با هم اختلاف دارند (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۳۰۶).

قانون گذار دادگاه اطفال و نوجوانان را در کنار سایر مراجع کیفری به عنوان مرجع اختصاصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان قرار داده است (آشوری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵/آخوندی، ۱۳۹۴، صص ۴۱۹-۴۲۶/موزن زادگان، ۱۴۰۲، ص ۲۰۳/گلدوست، ۱۴۰۰، ص ۳۱۳/مهابادی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱/میرکمالی و



حسینی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۴/فلاح و حاجی تبار، ۱۴۰۰، ص ۱۳۷) و به دلیل اختصاصی بودن صلاحیت این دادگاه است که در هیچ‌یک از مواد ق.آ.د.ک به دادگاه اطفال و نوجوانان اجازه داده نشده که به جرایم افراد بالای هجده سال تمام هم رسیدگی کند و از مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۹۸ نیز استنباط می‌شود که با تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه قضایی، دادگاه کیفری دو هم دیگر نمی‌تواند به جرایم افراد زیر هجده سال تمام رسیدگی نماید (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۴۳۵). هیچ یک از این دادگاه‌ها نمی‌توانند به موضوعی رسیدگی نمایند که در صلاحیت دادگاه دیگر است و در صورت رسیدگی و صدور حکم، حسب مورد دادگاه تجدیدنظر استان (مطابق بند پ ماده ۴۵۰)<sup>۱</sup> و دیوان عالی کشور (مطابق بند ب ماده ۴۶۹)<sup>۲</sup> ضمن نقض رای صادره، آن را به مرجع صالح ارسال می‌نمایند.

---

۱. ماده ۴۵۰: «رییس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می‌دهد. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند...»

۲. ماده ۴۶۹: «در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می‌توانند با اجازه رییس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی با حضور در شعبه به طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض‌عنه یا فرجام‌خواسته، نظر خود را اعلام می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهار شده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کنند: ب - هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می‌کند: ۳- اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است...»

باتوجه به اینکه قانون‌گذار در مواد ۳۰۱ تا ۳۰۴ ق.آ.د.ک، به صلاحیت هریک از دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک، انقلاب و اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرایم اشاره داشته، می‌توان عقیده بر این داشت که دادگاه اخیرالذکر نیز در کنار سایر دادگاه‌های مذکور، یک مرجع اختصاصی برای رسیدگی به جرایم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام محسوب می‌شود. چنانچه قانون‌گذار عقیده بر اختصاصی بودن این دادگاه نداشت، به چه دلیلی می‌بایست آن را قسیم دیگر دادگاه‌های کیفری قرار دهد و اگر این دادگاه یک شعبه تخصصی بود، می‌توانست همانند دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان صراحتاً مقرر نماید که «تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست» (تبصره یک ماده ۳۱۵).

ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک<sup>۱</sup> از مهم‌ترین موادی است که دلالت بر اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد. مفهوم مخالف ماده این است که دادگاه نمی‌تواند به جرم شخص بزرگسال رسیدگی نماید و تنها در یک مورد مجاز به رسیدگی است که در تبصره همین ماده<sup>۲</sup> به آن اشاره شده است. باتوجه به این مقرر، این نتیجه به دست می‌آید که وقتی طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت

---

۱. ماده ۳۱۲: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.»

۲. تبصره ماده ۳۱۲: «در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.»



موجب قانون تشکیل دادگاه اطفال ایجاد شد. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم افراد زیر ۱۸ سال را داشت و در آن حضور دو مشاور پیش بینی شده بود که به دادگاه نظر مشورتی می دادند. با پیروزی انقلاب تشکیلات دادگاه اطفال از بین رفت و عملاً به جرایم اطفال نیز در دادگاه های عمومی رسیدگی شد تا این که قانونگذار در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) سال ۱۳۷۸ مجدداً به موضوع اطفال توجه کرد و شعب خاصی از دادگاه عمومی را جهت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مشخص نمود. قانونگذار در قانون جدید نیز همین رویه را ادامه داده و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان دانسته است (فرهی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۰).

در مقابل حقوقدانانی که قائل به اختصاصی بودن صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان برای رسیدگی به جرایم این دسته از افراد هستند، حقوقدانان دیگری هستند که نظر مخالف داشته و معتقد به این هستند که این دادگاه، شعبه ای تخصصی از دادگاه کیفری دو است و معتقدند دادگاه های کیفری یک و کیفری دو و دادگاه اطفال و نوجوانان جزء دادگاه های عمومی بوده و دادگاه های انقلاب و نظامی جزء دادگاه های اختصاصی یا استثنایی می باشند (ناجی زواره، ۱۳۹۵، ص ۱۲/ فرهی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۸/ رحمدل، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹).

در قانون آیین دادرسی کیفری قرائنی وجود دارد که می توان قائل به این نظر بود که دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی تخصصی محسوب شده و به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می کند. در این خصوص برخی از مواد و تبصره های قانون مورد تحلیل قرار می گیرد.

اولین تبصره‌ای که می‌تواند دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان داشته باشد، تبصره ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک می‌باشد. مطابق این تبصره «... تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.» چنانچه عقیده بر آن باشد که صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان با دادگاه کیفری دو متفاوت است، آیا می‌توان قائل به این نظر بود که دادگاه کیفری دو و دادگاه بخش بتوانند به جرایمی رسیدگی نمایند که در صلاحیت ذاتی آن مرجع نیست؟

قواعد صلاحیت ذاتی از قواعد اساسی و مربوط به قواعد آمره است و این قواعد برای ایجاد نظم عمومی بوجود آمده است و کسی که بر خلاف صلاحیت ذاتی توافق کند، در واقع خدشه به نظم عمومی وارد آورده است و یکی از نتایج این گفته این است که در هر مرحله از رسیدگی، چنانچه دادگاه احراز کند که صلاحیت ذاتی رسیدگی به پرونده را ندارد، ضمن نفی صلاحیت از خود بایستی آن را به مرجع صالح ارسال نماید و مجاز به ادامه رسیدگی نیست؛ مطابق مواد ۴۵۰ و ۴۶۹ که در پاورقی صفحات قبل به آن‌ها اشاره شد، چنانچه رای از سوی مرجعی صادر شده باشد که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرمی را ندارد، دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان به عنوان مرجع فرجام خواهی و تجدیدنظر خواهی، ضمن نقض رای صادره، پرونده را برای رسیدگی مجدد به مرجع صالح ارسال می‌نمایند. بنابراین، فرضیه صلاحیت ذاتی متفاوت میان دادگاه اطفال و نوجوانان با دادگاه کیفری دو با ایراد اساسی مواجهه است. نکته قابل ذکر دیگر، آن است که تا زمان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه بخش به بزهکاری اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌نماید، در حالی که اگر صلاحیت ذاتی نداشت، می‌بایست پرونده

را جهت سیر مراحل قانونی به دادگاه اطفال و نوجوانان شهرستان ارسال نماید؛ مانند آنچه در جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب رخ می‌دهد.

همچنین مطابق ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک «دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.» به عبارت دیگر، دادگاه کیفری یک حتی بعد از شروع به رسیدگی، چنانچه احراز نماید که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرمی را ندارد، نمی‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و بایستی آن را به مرجع صالح ارسال نماید و قرار عدم صلاحیت مذکور در ماده که دادگاه از صدور آن منع شده، قرار عدم صلاحیت محلی می‌باشد (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۵۱۸) و این موضوع نشان از اهمیت رعایت قواعد صلاحیت ذاتی در رسیدگی به پرونده‌ها دارد. در تبصره یک ماده ۲۹۶ (ارسال پرونده به نزدیک‌ترین شعبه هم‌عرض دادگاه کیفری یک)<sup>۱</sup> و تبصره ۵۸۷ قانون (ارسال پرونده به نزدیک‌ترین شعبه دادگاه نظامی یک یا تجدیدنظر نظامی)<sup>۲</sup> نیز، با توجه به اهمیت رعایت صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به جرم، مرجع قضایی مکلف شده است پرونده را به نزدیک‌ترین شعبه هم‌عرض ارسال

---

۱. تبصره ۱ ماده ۲۹۶: «دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.»

۲. تبصره ماده ۵۸۷: «هرگاه در استانی دادگاه نظامی یک یا تجدیدنظر نظامی تشکیل نشده یا بلا تصدی باشد یا به جهاتی از قبیل ردّ دادرسی، امکان رسیدگی در استان فراهم نبوده و اعزام قاضی مأمور نیز مقدور نباشد، رسیدگی به پرونده‌های مربوط، حسب مورد در نزدیک‌ترین حوزه قضایی به عمل می‌آید.»

نماید و به درستی اجازه رسیدگی به دادگاه کیفری دو یا دادگاهی دیگر داده نشده است؛ چنانچه قانونگذار درخصوص جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان نیز همین دیدگاه را داشت، باید تا زمان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه، نزدیک‌ترین حوزه قضایی که در آن دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل شده بود را صالح به رسیدگی جرایم در صلاحیت این دادگاه می‌دانست.

#### ۱-۲-۲. تبصره ۲ ماده ۳۰۴

باتوجه به صدر ماده ۳۰۴<sup>۱</sup> ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان سن مرتکب است و علی‌الاصول هرگاه سخن از ملاک سن مرتکب برای تعیین صلاحیت یک مرجع قضایی در میان باشد، سن او در زمان ارتكاب جرم موردنظر است اما باتوجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۴<sup>۲</sup>، جهت رسیدگی به اتهام شخص در دادگاه اطفال و نوجوانان، سن مرتکب در زمان شروع به رسیدگی ملاک است (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۴۳۵).

---

۱. ماده ۳۰۴: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.»

۲. تبصره ۲ ماده ۳۰۴: «هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.»

از عبارت مذکور در تبصره ۲ ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک مبنی بر اینکه «چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد» چنین استنباط می‌شود که دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی اختصاصی محسوب نمی‌شود؛ زیرا چنانچه این دادگاه، مرجعی با صلاحیت ذاتی متفاوت نسبت به دیگر دادگاه‌های کیفری بود، مراجع دیگر نمی‌توانستند به اتهام شخصی که در حال طفولیت یا نوجوانی مرتکب جرم شده است، رسیدگی نمایند. البته ماده ۳۱۵ استثناء دیگری از نظر سن مرتکب و نوع جرم را بیان نموده است که در مباحث آتی به آن اشاره خواهد شد.

#### ۱-۲-۳. تبصره ۱ ماده ۳۱۴

مطابق تبصره ۱ ماده ۳۱۴: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.»

به نظر می‌رسد این تبصره ظهور در غیراختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد؛ زیرا حرف اضافه "یا" در میان دادگاه کیفری دو و دادگاه اطفال و نوجوانان در این تبصره، ظهور در این معنا دارد که رابطه میان این دو مرجع کیفری از یک جنس و نوع یکسان است و همان حکمی که میان دادگاه کیفری یک و دو است نسبت به دادگاه کیفری یک و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز برقرار است؛ به این علت که دادگاه اطفال و نوجوانان دارای صلاحیت ذاتی متفاوت نسبت به دادگاه کیفری یک و دو نیست. بنابراین بر اساس صریح تبصره مذکور، بر لزوم رسیدگی توأمان به اتهامات متعدد متهم که برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت



دادگاه کیفری دو یا اطفال و نوجوانان است، در مرجع قضایی واحد (دادگاه کیفری یک) خدشه ای وارد نیست.

بدیهی است با توجه به اینکه صلاحیت ذاتی دادگاه های کیفری یک و دو از نوع واحد است (خالقی، ۱۴۰۲، ص ۴۵۴)، نمی توان به لزوم رسیدگی توأمان به اتهامات متعدد متهم که برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، خدشه ای وارد آورد؛ اما اگر عقیده بر این باشد که دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت ذاتی متفاوتی نسبت به دادگاه کیفری یک دارد، نمی توان مجوز رسیدگی به جرایم ارتكابی در زمان طفولیت یا نوجوانانی را در دادگاه کیفری یک صادر نمود و همین مطلب دلالت بر غیراختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد.

همانطور که به دلیل اختلاف در صلاحیت ذاتی، نمی توان در دادگاه واحد به اتهامات شخصی که در سن ۱۷ سالگی مرتکب آدم ربایی و در ۱۹ سالگی مرتکب حمل مواد مخدر شده، رسیدگی نمود، فارغ از نوع جرم و دادگاه صالح باید در مطلق جرایم ارتكابی قبل و بعد از ۱۸ سالگی این نگرش وجود داشته باشد. در صورت پذیرش اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان، ضرب المثل "یک بام و دو هوا" به ذهن متبادر می شود؛ زیرا اگر دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاهی با صلاحیت ذاتی متفاوت نسبت به دادگاه کیفری یک بود، دادگاه اخیرالذکر نمی توانست به اتهامات اشخاصی رسیدگی نماید که در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان است؛ همانطور که در خصوص دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه انقلاب، موضوع صلاحیت ذاتی به - درستی رعایت می گردد و دو جرم ارتكابی در زمان های مختلف (قبل و بعد از ۱۸ سالگی) در دادگاهی واحد رسیدگی نمی شود.

باتوجه به اینکه مطابق ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک «جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می گردد» و حسب تبصره ۱ ماده مذکور نیز «در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می یابد و تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آنها نیست.» و با توجه به قید تخصصی بودن در تبصره ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک می توان گفت دادگاه اطفال یک دادگاه اختصاصی نیست بلکه شعبه ای تخصصی از دادگاه های کیفری است که با حفظ صلاحیت عام خود برای رسیدگی به همه جرایم، به طور تخصصی به جرائم اطفال و نوجوانان نیز رسیدگی می نماید (جوانمرد، ۱۳۹۴، صص ۳۱۳ و ۳۱۲). با این حال، برخی بر این باورند که با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، قانون گذار به طور صریح در کنار سایر دادگاه های کیفری به دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان اشاره و با تخصیص صلاحیت ذاتی برای این دو دادگاه، تشریفات دادرسی ویژه ای را در مواد مختلف قانون مقرر کرده است (خاطری و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۷۶). به نظر می رسد، این دیدگاه لااقل در ارتباط با صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان محل خدشه و ایراد اساسی است؛ زیرا این مرجع به تصریح تبصره یک ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک، مرجع تخصصی است و نمی توان برای آن، شأن و جایگاه اختصاصی قائل شد. بدیهی است این امر که بر اساس ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک رسیدگی به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار گیرد و دادگاه مذکور نوعی دادگاه اختصاصی محسوب شود ولی

طبق ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک رسیدگی به جرایم مهمتر ارتكابی توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان که به تصریح تبصره ماده مذکور یک دادگاه عمومی تخصصی است قرار گیرد با منطبق قانونگذاری حکیمانه سازگار نیست لذا باید قایل به تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان گردید

همچنین به نظر می رسد که ماده ۴۴۴ ق.آ.د.ک نیز دلالت بر تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دارد. زیرا شعبه خاصی از دادگاه تجدیدنظر استان، مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می باشد و این شعبه همانند شعبه دادگاه کیفری ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان، شعبه ای تخصصی است و ارجاع سایر پرونده ها به آن بلامانع است، همچنان که بموجب ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک دادرسی ویژه نوجوانان نیز شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب است و لذا در تخصصی بودن دادرسی مذکور هم تردیدی وجود ندارد.

## ۲. اختصاصی یا تخصصی دادگاه های اطفال و نوجوانان در آئینه رویه قضایی

اطفال و نوجوانان به لحاظ سنی و شخصیتی در برابر وقایع اجتماعی، از جمله انحراف و بزهکاری، آسیب پذیرتر از دیگران اند. اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم می شوند، در واقع، قربانی کوتاهی نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، مدرسه، محله و... در انجام رسالت های تربیتی و آموزشی خود می باشند. اگرچه از نظر حقوقی، این قبیل اطفال و نوجوانان در مقاطع سنی خاصی تا اندازه ای تابعان حقوق کیفری به شمار می روند و بنابراین، به لحاظ ارتكاب جرمشان باید مشمول ضمانت اجراهای کیفری باشند، در این فرآیند نیز باید مشمول حمایت های حقوقی واقع شوند. سیاست افتراقی ناظر بر بزهکاری اطفال در همین چارچوب معنا می یابد و



به جرایم خرد و سبک رسیدگی می کنند و بعضی دیگر از این دادگاه ها، با تعدد قضات تشکیل می شوند و به جنایات و جرایم سنگین رسیدگی می نمایند.<sup>۱</sup>

در عرصه بین المللی، با حمایت سازمان ملل متحد، اسناد الزام آور و ارشادی مختلفی نظیر پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، اصول سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض ۱۹۹۰)، حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن ۱۹۸۵)، نمونه قانون قضایی برای نوجوانان مصوب ۱۹۹۸، مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم شده از آزادی مصوب ۱۹۹۰ برای کشورهای مختلف، در جهت حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان خواه به عنوان بزهکار و خواه به عنوان بزه دیده تدوین شده است. در پیمان حقوق کودک که شاخص ترین سند بین المللی در این زمینه است در قسمت سوم بخش ب بند ۲ ماده ۴۰، رسیدگی به اتهام از سوی یک مقام یا مرجع قضایی صلاحیت دار را برای اطفال و نوجوانان به رسمیت شناخته است. خوشبختانه در سال ۱۳۷۲، ایران به پیمان نامه حقوق کودک پیوسته است و هم اکنون، این پیمان نامه به عنوان یک سند بالادستی بر کلیه قوانین و مقررات کیفری ایران سایه انداخته است. در این رابطه، ایجاد دادرسی عادلانه برای بزهکاری اطفال و نوجوانان و تعیین دادگاه متمایز و مناسب برای این قشر از مجرمین، الزامی و ضروری است.

---

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون سازمان و تشکیلات دادگاه های اطفال و نوجوانان در سایر کشورها مراجعه کنید به: صلاحی، جاوید؛ بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۸، صص ۲۶۷ و ۲۶۶

در این پژوهش با ملاحظه و بررسی ۵۰ پرونده قضایی که در آن میان دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های کیفری دو استان اصفهان در صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ها دچار اختلاف شده و پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان ارسال شده است<sup>۱</sup>، سعی بر این است که در پرتو رویه قضایی، اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. با بررسی استدلال‌های مندرج در قرارهای عدم صلاحیت از سوی شعب مختلف دادگاه‌های کیفری دو و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان<sup>۲</sup>، ملاحظه می‌شود که این دادگاه‌ها گاهی به فقدان صلاحیت ذاتی در رسیدگی به پرونده‌ها تصریح نموده و آن را به مرجع صالح ارسال می‌نمایند و گاهی نیز صرفاً با بیان فقدان صلاحیت (به طور کلی)، پرونده را به مرجع صالح ارسال نموده‌اند. با بررسی این پرونده‌ها ملاحظه می‌شود علی‌رغم اینکه اختلاف حاصله، میان دادگاه‌های کیفری دو و اطفال و نوجوانان بوده است، دو رویه متفاوت برای ارسال پرونده به مرجع حل اختلاف در پیش گرفته شده است؛ برخی به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال شده است و برخی به دیوان عالی کشور. لیکن در خصوص حل اختلاف میان دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال و نوجوانان، رویه قضایی واحدی وجود دارد و پرونده‌ها برای حل اختلاف در راستای مواد ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد و نمونه‌ای از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان مشاهده

۱. بازه زمانی صدور آرای صادره از سوی شعب مختلف دادگاه‌های کیفری دو، اطفال و نوجوانان، دادگاه‌های تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور از ۱۴۰۱/۴/۱ تا ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ می‌باشد.

۲. شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان که در این تحقیق به آرای صادره از آن اشاره شده، شعبه اول این دادگاه است و علت اشاره به آرای اصداری از این شعبه خاص، نبود شعبه دیگر دادگاه اطفال و نوجوانان در حوزه قضایی شهر اصفهان است.

نمی‌شود.<sup>۱</sup> این امر حکایت از اتفاق نظر در خصوص تفاوت دو دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه انقلاب از حیث صلاحیت ذاتی دارد.

## ۱-۲. حل اختلاف در صلاحیت از سوی دیوان عالی کشور

اختلاف نظر و تضارب آرا، همواره در مباحث و موضوعات مختلف و متعدد دانش حقوق مطرح بوده است و علی‌رغم گذشت زمان، برای برخی از آن‌ها هیچ‌گاه، نقطه پایانی حاصل نشده است. برای رفع این اختلاف نظرها در میان قضات، مقنن صور تحقق اختلاف و شیوه‌های حل آن را ترسیم نموده است. علی‌القاعده، حل اختلاف میان مراجع قضایی توسط مرجع عالی (حسب مورد دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر استان) صورت می‌گیرد. با این‌همه، علی‌رغم چارچوب‌های تبیین شده قانونی، موضوعاتی در رویه قضایی مطرح می‌شود که از شعاع دید قانون‌گذار خارج است و زمینه‌ساز بروز اختلافات - حتی در میان مراجع عالی که خود وظیفه حل اختلاف را دارند - گردیده است. بی‌تردید، وضعیت اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان از موضوعاتی است که میان مراجع قضایی تالی و حتی در نزد مراجع قضایی عالی منشأ اختلاف و صدور آرای متفاوت شده است.

در نظام حقوقی ایران، از دیرباز تا کنون عالی‌ترین مرجع قضایی در سلسله مراتب محاکم، دیوان عالی کشور بوده است. مطابق اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی، نظارت

---

۱. حسب مطالعه پرونده‌های قضایی موضوع این پژوهش، شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در پرونده‌های کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۲۳۱۴۴۰۰

و ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۱۰۳۸۸۵۱ که میان شعبه ۳ دادگاه انقلاب اصفهان و دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان، اختلاف حادث شده بود، با

اعلام صلاحیت دادگاه انقلاب حل اختلاف نمود.

بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی از زمره وظایف و صلاحیت های این مرجع عالی است. در قوانین عادی نیز به فراخور شأن و جایگاه این مرجع عالی، پاره ای از امور خاص از جمله «حل اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی» برای دیوان عالی کشور مورد شناسایی قرار گرفته است.

مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دیوان عالی کشور در صورتی مرجع حل اختلاف در صلاحیت میان مراجع قضایی و غیرقضایی است که «بین دادگاه های عمومی، نظامی و انقلاب، اختلاف محقق شود یا در مواردی که دادگاه ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند.»

به محض بروز اختلاف در صلاحیت ذاتی اعم از اینکه بین مراجع یک استان باشد یا دو استان، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور فرستاده می شود (موحدیان، ۱۳۹۱، ص ۳۴). در رویه قضایی گاهی با تلقی این امر که اختلاف میان دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری دو، اختلاف در صلاحیت ذاتی است، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال می شود و گاهی نیز با این استدلال که دادگاه اطفال و نوجوانان، نوعی دادگاه عمومی محسوب می شود پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می گردد.

با ملاحظه پرونده های موضوع این تحقیق که در دیوان عالی مطرح شده، علت طرح موضوع در مرجع مذکور اینگونه استنباط می شود که شعب مختلف دیوان عالی (که در همین مبحث



به آن‌ها اشاره خواهد شد)، نظر مرجع ارسال کننده‌ی پرونده به دیوان عالی کشور<sup>۱</sup>، مبنی بر اینکه اختلاف در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو و اطفال و نوجوانان اصفهان، اختلاف در صلاحیت ذاتی بوده و دادگاه اطفال و نوجوانان دادگاهی اختصاصی است را قابل قبول دانسته و به همین دلیل با ورود به موضوع حل اختلاف می‌نمایند. به عبارت دیگر اگر شعب دیوان عالی، عقیده به حدوث اختلاف در صلاحیت ذاتی نداشتند، هیچ‌گاه دادگاه صالح را تعیین نکرده و پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌نمودند؛ به همین دلیل در پرونده کلاسه ۱۹۸۷۲۹۳/۱۴۰۲۹۹۲۰۰۰۷۵۰۲۰، شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور مورخ ۱۴۰۱/۷/۲۲ در مقام حل اختلاف بین شعب ۱۱۰ دادگاه کیفری دو اصفهان و اول دادگاه اطفال و نوجوانان این شهرستان در خصوص اتهام آقای فرزاد دائر بر سرقت تعزیری، با تصریح این مطلب «... که دادگاه مذکور (اطفال و نوجوانان)، دادگاه اختصاصی بوده و صلاحیت رسیدگی وی محدود به موارد مصرح در قانون است و از طرفی طبق ماده ۳۰۱ همان قانون (ق.آ.د.ک) اصل بر صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد...» به صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف نموده است. شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور، مجدداً در رای اصداری مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۸، در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۰۷۵۰۲۰، اختلاف میان شعب ۱۲۶ دادگاه کیفری دو اصفهان با شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان را با اعلام صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف نموده است.

در پرونده‌های زیر شعب مختلف دیوان عالی کشور به دلیل عدم تحقق اختلاف در صلاحیت ذاتی، از ورود به موضوع امتناع نموده و پرونده‌ها به دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان

---

۱. اختلاف در صلاحیت، زمانی حادث می‌شود که دادگاه دوم صلاحیت خود را احراز ننماید و بنابراین در این زمان اختلاف در صلاحیت محقق شده و پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی ارسال می‌گردد.

ارسال شده است. به عنوان نمونه در پرونده کلاسه ۵۱۲۹۵۷/۰۰۰۹۹۲۰۰۰۱۴۰۰۰ که بین شعبه ۱۳۰ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان در رسیدگی به پرونده اختلاف حادث شده بود، شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور در رای اصداری مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۲ مقرر داشته است: «...در فرض حدوث اختلاف فی مابین دادگاه‌های مذکور نظر به اینکه صلاحیت دادگاه‌های عمومی نسبت به دادگاه‌های نظامی و انقلاب از جمله صلاحیت ذاتی آنان است و در مانحن فیه شعبه ۱۳۰ دادگاه کیفری دو شهرستان اصفهان و شعبه اول دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان همان شهرستان عمومی محسوب و در حوزه قضائی یک استان واقع گردیده اند... پرونده قابل طرح در دیوان عالی کشور نمی‌باشد» و لذا جهت حل اختلاف پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان ارسال شده است. شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان هم با بیان این موضوع که اختلاف این دو دادگاه، اختلاف در صلاحیت نسبی است، با اعلام صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف نموده است. همچنین در پرونده کلاسه ۵۱۲۹۶۷۷/۰۰۰۹۹۲۰۰۰۱۴۰۲۰۰ همین شعبه دیوان عالی کشور (شعبه ۲۴) با استدلالی مشابه با استدلال فوق الذکر، در رای اصداری مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۶، پرونده را قابل طرح در دیوان عالی کشور ندانسته و شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان مبادرت به حل اختلاف نموده است.

در پرونده کلاسه ۱۷۱۰۱۸۵/۰۰۰۹۹۲۰۰۰۱۴۰۲۰۰ نیز شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در رای اصداری مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ که در مقام حل اختلاف بین شعبه ۱۲۰ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان بوده است، مقرر داشته «... با توجه به وحدت ملاک رای وحدت رویه شماره ۸۴۱ مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور و همچنین معیار صلاحیت نسبی رای وحدت رویه شماره ۶۸۶ مورخ ۱۳۸۵/۲/۵ همان مرجع، حل اختلاف... فی مابین دو دادگاه بدوی «کیفری دو و دادگاه اطفال و نوجوانان شهر اصفهان» از قابلیت

طرح در شعب دیوان عالی کشور برخوردار نبوده...» و پرونده در شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان مطرح که در نهایت به صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف شده است. همین شعبه دیوان عالی (شعبه ۳۳) در مقام حل اختلاف بین شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان در پرونده دیگری با کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۵۱۶۷۰۱۶ در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ با استدلالی مشابه استدلال قبلی، موضوع را قابل طرح در دیوان عالی ندانسته و در نهایت شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان، به صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف نموده است.

لازم به ذکر است شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۸۸۳۳۲۲ در مقام حل اختلاف بین شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان این شهرستان، در رای اصداری مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۴ بدون ذکر استدلال خاصی و صرفاً با بیان اینکه «...در اجرای ماده ۳۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری ناظر بر ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی حل اختلاف بین مراجع قضایی به شرح مذکور در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان مربوطه بوده...» پرونده را قابل طرح در دیوان عالی ندانسته است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در رای اصداری به ماده ۲۷ قانون اخیرالذکر<sup>۱</sup> اشاره شده، نظر شعبه ۳۹

---

۱. ماده ۲۷: «در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیتدار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. رای دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع خواهد بود...»

دیوان عالی نیز این است که دادگاه اطفال و نوجوانان مرجع اختصاصی تلقی نمی‌گردد و به همین خاطر از حل اختلاف خودداری نموده است.

نکته جالب توجه این است که شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان در تلقی این امر که اختلاف میان این دادگاه و دادگاه کیفری دو، اختلاف در صلاحیتی ذاتی است یا خیر، رویه واحدی اتخاذ نموده است. به عنوان مثال در پرونده کلاسه ۱۴۶۰۹۵۱/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰ شعبه ۱۳۲ دادگاه کیفری دو اصفهان به اعتبار سن متهم در زمان ارتکاب جرم، پرونده را به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال می‌نماید و دادگاه اخیرالذکر نیز با این استدلال که قبل از شروع به رسیدگی و تعیین وقت رسیدگی سن متهم بالای ۱۸ سال تمام شمسی است و این شعبه یک دادگاه اختصاصی با صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌باشد، پرونده را برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید و شعبه ۴۸ دیوان عالی کشور نیز با تعیین صلاحیت دادگاه کیفری دو حل اختلاف می‌نماید؛ لیکن در پرونده کلاسه ۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۵۴۵۰۲۸۹ شعبه ۱۱۸ دادگاه کیفری دو دقیقاً با استدلال بیان شده از سوی شعبه ۱۳۲، پرونده را به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال می‌نماید و دادگاه اطفال و نوجوانان نیز با بیان استدلال سابق الذکر خود، پرونده را برای حل اختلاف این بار به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌نماید و شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان نیز با توجه به اینکه سن متهم در زمان رسیدگی به پرونده در شعبه ۱۱۸ دادگاه کیفری دو، کمتر از ۱۸ سال بوده، در راستای ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی با تعیین دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع صالح، حل اختلاف می‌نماید.

علاوه بر موارد ذکر شده، در ۱۳ پرونده دیگر از مجموع ۵۰ پرونده مورد بررسی، شعب دیوان عالی کشور، بدون ذکر استدلال در خصوص علت طرح موضوع در دیوان عالی کشور، نسبت به حل اختلاف بین دادگاه‌های صادرکننده قرار عدم صلاحیت که شعب مختلف دادگاه

کیفری دو اصفهان و دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان هستند، اقدام نموده‌اند،<sup>۱</sup> که این امر دلالت بر پذیرش حدوث اختلاف بین دو دادگاه از حیث صلاحیت ذاتی دارد و در نتیجه در نگاه شعب مذکور دادگاه اطفال و نوجوانان نوعی دادگاه اختصاصی تلقی شده است.

## ۲-۲. حل اختلاف در صلاحیت از سوی دادگاه تجدیدنظر استان

علت طرح موضوع در دادگاه تجدیدنظر استان این است که شعب دیوان عالی کشور-که به برخی از آن‌ها در مبحث قبلی اشاره شد- و یا دادگاه تجدیدنظر استان، اختلاف میان دادگاه کیفری دو و دادگاه اطفال و نوجوانان یک استان را اختلاف در صلاحیت ذاتی ندانسته و هر دو دادگاه را از جمله مراجع عمومی به حساب آورده اند.

در ۱۶ فقره از پرونده‌های مورد بررسی، دادگاه تجدیدنظر بدون ذکر استدلال خود مبنی بر علت پذیرش طرح پرونده در این دادگاه، صرفاً به حل اختلاف میان دادگاه‌های کیفری دو و اطفال و نوجوانان استان اصفهان اقدام نموده است.<sup>۲</sup>

---

۱۴۰۰۰۹۹۲۰/۱۴۰۱۰۹۳۹۰۰۱۵۴۴۳۳۰/۹۹۰۹۹۸۰۳۶۰۰۰۶۵۳/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۷۷۸۴۱۶/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۱۹۸۴۲۶۶.۱  
 /۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۰۷۵۱۰۲۱/۱۴۰۲۹۹۲۰۰۰۰۴۰۰۵۶۲/۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۳۷۳۴۴۴۰/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۵۳۱۷۹۴/۰۰۶۱۱۰۱۶۰  
 ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۳۲۷۹۴۴/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۷۶۹۱۲۲۳/۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۰۲۳۸۰۰۸۸/۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۰۱۱۹۸۲۳۱  
 ۱۴۰۱۰۹۹۲۰/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۵۳۸۲۲۹/۹۹۰۹۹۸۶۸۰۳۸۰۰۵۷۸/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۱۹۷۸۶۷۴/۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۶۸۰۱۹۳۲.۲  
 ۱۴۰۰۰/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۰۳۳۷۷۹/۹۷۰۹۹۸۰۳۵۹۶۰۱۱۸۰/۹۹۰۹۹۸۰۴۱۶۴۰۳۳۶۶/۹۹۰۹۹۸۰۳۶۴۹۰۰۹۴۹/۰۰۲۳۳۶۰۴۳  
 ۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۶۳۸۰۲۶/۹۹۰۹۹۸۰۳۶۵۵۰۱۱۱/۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۲۸۶۳۶۰۱/۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۴۵۰۳۳۴۴/۹۹۲۰۰۰۲۵۵۵۷۹۸  
 ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۳۵۴۱۸۸۵/ ۱۴۰۰۹۹۲۰۰۰۱۱۱۷۹۸۲/

در پرونده های کلاسه ۹۹۰۹۹۸۰۳۶۰۵۰۰۹۷۳ و ۹۹۰۹۹۸۰۳۵۸۵۰۰۷۲۳ و ۹۹۰۹۹۸۰۳۶۲۸۰۱۸۹۶ و ۹۹۰۹۹۸۰۳۶۵۵۰۰۶۳۸ و ۹۹۰۹۹۸۰۳۶۵۹۰۰۵۳۶ و ۱۴۰۰۰۹۹۲۰۰۰۶۶۶۳۶۳۵ و ۱۴۰۰۰۹۹۲۰۰۰۶۸۲۸۷۲۸ و ۱۴۰۰۰۹۹۲۰۰۰۶۷۶۹۵۶۴ و ۱۴۰۰۰۹۹۲۰۰۰۵۱۵۹۵۷ شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان با تصریح این نکته که اختلاف در صلاحیت دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری دو، اختلاف در صلاحیت ذاتی نیست بلکه مصداق اختلاف در صلاحیت نسبی است، حل اختلاف نموده است. باتوجه به مشابه بودن استدلال دادگاه تجدیدنظر، صرفاً یک نمونه رای که در پرونده کلاسه ۹۹۰۹۹۸۰۳۵۸۵۰۰۷۲۳ صادر شده است عیناً ذکر می‌گردد: «در خصوص حدوث اختلاف بین شعبه محترم ۱۲۸ دادگاه کیفری ۲ اصفهان با شعبه محترم اول ویژه اطفال و نوجوانان اصفهان راجع به اتهام آقایان حسین و علی .... هردو متولد ۱۳۸۳/۳/۵ ( دو قلو هستند) دائر بر تهدید، توهین و ضرب و جرح عمدی با چاقو که هرکدام از خود به صلاحیت دیگری نفی صلاحیت نسبی نموده اند، دادگاه باتوجه به استدلال شعبه اول ویژه اطفال و نوجوانان اصفهان مستنداً" به تبصره ۲ ماده ۳۰۴ از قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده ۲۷ از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ به صلاحیت نسبی دادگاه محترم شعبه ۱۲۸ کیفری ۲ اصفهان حل اختلاف مینماید. رای صادره قطعی است.»

در پرونده کلاسه ۱۴۰۰۰۹۹۲۰۰۰۶۳۴۴۵۷۴ قبل از تاسیس شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان، پرونده‌ی متهم کمتر از ۱۸ سال، به شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو اصفهان ارجاع شده بود و قاضی شعبه نیز ابلاغ رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را از رئیس قوه قضائیه دریافت نموده بودند. پس از تاسیس شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه ۱۱۰ کیفری دو با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه اطفال ارسال نمودند که دادگاه اطفال نیز صلاحیت خود

را احراز ننموده و پرونده را جهت اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال نموده بود. شعبه ۱۶ دادگاه با ذکر این موضوع که «...هر دو شعبه فعلاً به نوعی شعبه کیفری دو ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان هستند...» استدلال شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان را صائب دانسته و با اعلام صلاحیت شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو اصفهان حل اختلاف می‌نماید. از تصمیم شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر، دو موضوع استنباط می‌گردد:

۱- دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاهی اختصاصی محسوب نمی‌گردد والا بایستی دادگاه تجدیدنظر، در راستای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی، پرونده را به مرجع ذی صلاح (دیوان عالی کشور) ارسال می‌نمود و از حل اختلاف اجتناب می‌کرد. بدین ترتیب، دادگاه تجدیدنظر، شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان را، شعبه‌ای تخصصی از دادگاه کیفری دو محسوب نموده است.

۲- باتوجه به اینکه در زمان ارجاع پرونده، دادگاه اطفال و نوجوانان، راه اندازی نشده بود و دادگاه کیفری دو با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضائیه، دارای صلاحیت بوده است و مطابق ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری، پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد و در این وضعیت، مجوز قانونی برای اخذ پرونده از دادگاه کیفری دو دارای ابلاغ ویژه و ارجاع به دادگاه اطفال و نوجوانان وجود ندارد؛ لذا دادگاه کیفری دو دارای ابلاغ ویژه کماکان صالح به رسیدگی است.

بنظر می‌رسد استدلال شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر مبنی بر اینکه «...هر دو شعبه فعلاً به نوعی شعبه کیفری دو ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان هستند...» صحیح نمی‌باشد زیرا دادگاه کیفری دو دارای ابلاغ ویژه، به استناد تبصره ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک در شرایط استثنایی و صرفاً قبل از تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی داشته است و پس از تشکیل

دادگاه اطفال و نوجوانان، مأموریت ویژه‌ی دادگاه کیفری دو در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان به اتمام رسیده و پرونده جدیدی نباید به آن ارجاع شود، هرچند که طبق ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک صلاحیت رسیدگی به پرونده های مطرح رسیدگی را کماکان دارا می‌باشد.

علی رغم توضیحات فوق الذکر درخصوص حل اختلاف میان دادگاه‌های کیفری دو و اطفال و نوجوانان استان اصفهان که در بیشتر پرونده‌ها، حل اختلاف از سوی شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان انجام می‌پذیرفت، تصمیم این شعبه در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۲۰۹۰۴۳۴ جالب توجه است؛ با این توضیح که در بیشتر پرونده‌ها، شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان، اختلاف میان دادگاه‌های کیفری پیش گفته را اختلاف در صلاحیت ذاتی محسوب نمی‌کرد و به همین دلیل مبادرت به حل اختلاف می‌نمود؛ در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۹۹۲۰۰۰۲۰۹۰۴۳۴ در مقام حل اختلاف میان شعب ۱۱۹ دادگاه کیفری دو اصفهان و شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان اصفهان، با بیان این مطلب که دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاهی اختصاصی محسوب می‌شود، به دلیل تحقق اختلاف در صلاحیت ذاتی، پرونده را قابل طرح در دادگاه تجدیدنظر استان ندانسته است<sup>۱</sup> و در نهایت پرونده در دیوان عالی کشور مطرح و شعبه دیوان مبادرت به حل اختلاف نمود.

---

۱. رای شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان به این شرح است: «درخصوص حدوث اختلاف بین شعبه محترم اول دادگاه (با صلاحیت ذاتی اطفال و نوجوانان شهرستان اصفهان با شعبه محترم ۱۱۹ دادگاه کیفری ۲ شهرستان مذکور راجع به اتهام آقایان شایان... متولد ۱۳۷۹ و حسین .... متولد ۱۳۵۱ اولی دائر بر مشارکت در ایراد صدمه بدنی عمدی به اتفاق طفل سامان و دومی مباشرت در بزه مشابه مذکور که هرکدام از خود به صلاحیت دیگری نفی صلاحیت نموده اند. چون شعبه اول دادگاه اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۳۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به عنوان شعبه اختصاصی با صلاحیت ذاتی قبل از زمان اختلاف دو شعبه مذکور تاسیس



## نتیجه‌گیری

در نظام عدالت کیفری ایران صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال و نوجوانان از حیث اختصاصی یا عمومی بودن، به لحاظ فقدان نص صریح قانون در هاله ای از ابهام قرار دارد و در این خصوص میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. تهافت آرای دادگاههای تجدیدنظر و حتی شعب دیوان عالی کشور در این باره نیز ناشی از اختلاف در تقدم و یا تاخر اصول دادرسی عادلانه و ضرورت های پذیرش دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان بر برخی مواد قانونی ناهمگون و ناسازگار با این اصول است؛ قائلین به اختصاصی بودن به موادی نظیر ۲۹۴ و ۳۰۴ ق.آ.د.ک تمسک جسته اند در حالیکه طرفداران دیدگاه تخصصی بودن به تبصره ماده ۲۹۸، تبصره ۱ ماده ۳۱۴، تبصره ۲ ماده ۳۰۴، ماده ۳۱۵ و تبصره یک آن و مواد ۴۰۳ و ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری متوسل شده اند. بنظر می رسد با الهام از ماده ۴۵ قانون حمایت از خانواده که مقرر میدارد: «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاهها و مقامات اجرائی الزامی است» و ضرورت مدنظر قراردادادن فلسفه حاکم بر دادرسی افتراقی در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان در جهت تامین مصالح و منافع این جمعیت آسیب پذیر، من حیث المجموع، نظر قائلین به اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان، مرجح و مقرون به صواب است.

با این حال، در شرایط موجود و تا زمان اصلاحات قانونی پیرامون وضعیت اختصاصی یا تخصصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان و یا حداقل صدور رای وحدت رویه از سوی هیات

---

شده است مطابق ماده ۲۹۴، ۳۱۷ و ۳۰۴ از قانون مذکور و ماده ۲۸ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

مصوب ۱۳۷۹ مرجع حل اختلاف بین دو دادگاه مذکور دیوان عالی محترم کشور می باشد فلذا دفتر پرونده از آمار کسر و به شعبه اول

دادگاه مذکور ارسال تا به دیوان عالی محترم کشور ارسال نمایند.»



حیث صنف و نوع و درجه رسیدگی یکسان هستند صائب آن است که مرجع حل اختلاف در این وضعیت، دادگاه تجدید نظر استان باشد و در صورت اختلاف با دادگاه کیفری یک و یا دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان بطور مطلق، و همچنین در صورت اختلاف با دادگاه کیفری دو استان دیگر، مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور خواهد بود. بدیهی است با توجه به ابلاغ ویژه دادگاه کیفری دو در فرض اختلاف با دادگاه کیفری یک، دادگاه موصوف مکلف به متابعت از نظر دادگاه عالی از حیث صلاحیت نمی‌باشد. در ارتباط با دادگاه صلح نیز، صرف نظر از اختلاف در صلاحیت ذاتی میان دادگاه اطفال و نوجوانان با دادگاه صلح، با عنایت به نص صریح تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲<sup>۱</sup>، حل اختلاف در تمامی حالات صرفاً از طریق دادگاه تجدیدنظر استان صورت می‌گیرد.

---

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

۱. بندهای الف و ب تبصره ۴ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲: «در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضائی و غیر قضائی به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادرها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.

ب- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادرها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است....»

## منابع:

- ۱- آخوندی، محمود، شناسای آیین دادرسی کیفری، جلد دوم (سازمان و صلاحیت مراجع کیفری)، چاپ چهاردهم، تهران: نشر دوران‌دیشان، ۱۳۹۴.
- ۲- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۴۰۰.
- ۳- جوانمرد، بهروز، بایسته‌های آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۴.
- ۴- خاطری، برهان، مهرا، نسرین، مهدوی ثابت، محمدعلی، و کارگری، نوروز (۱۴۰۱)، مسیر شطرنجی دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در ایران با تطبیق نظام کیفری انگلستان. *مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)*، دوره ۱۴، شماره ۳، ص ۱۷۶.
- ۵- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهل و دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۹.
- ۶- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ نوزدهم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۲.
- ۷- رادمهر، فرزانه، رضوانی، علی، مسجدرایی، حمید (۱۴۰۲)، سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان با نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس، *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، دوره ۱۵، شماره ۳۳، صفحه ۱۱۹.
- ۸- رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
- ۹- سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۲)، دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۶۷، شماره ۴۵، ص ۱۰۹.

- ۱۰- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال (شخصیت طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخها)، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱
- ۱۱- طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری (جلد سوم)، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۴۰۲
- ۱۲- فرهی، بابک، مختصر آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات طرح نوین اندیشه، ۱۳۹۶
- ۱۳- فلاح، امین، حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۴۰۰)، مراجع صالح به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با تأکید بر جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶
- ۱۴- گلدوست جویباری، رجب، آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۴۰۰
- ۱۵- معظمی، شهلا، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۴
- ۱۶- موحدیان، غلامرضا، آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۱
- ۱۷- موذن زادگان، حسنعلی، دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۲.
- ۱۸- مهابادی، علی اصغر، آیین دادرسی کیفری کاربردی، چاپ دوم، تهران: نشر دوران‌دیشان، ۱۳۹۳
- ۱۹- مهرا، نسرین (۱۳۸۵)، قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده، نشریه آموزه های حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۲۰، ص ۴۱
- ۲۰- میرکمالی، سیدعلیرضا، حسینی، انسیه (۱۳۹۵)، دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲

۲۱- ناجی زواره، مرتضی، آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵

۲۲- نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ دهی به بزه کاری کودکان و

نوجوانان)، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱

پذیرش شده برای انتشار